

سرمقاله

طرحی نو در سیاست خارجی قرن جدید

جاوید قربان اوغلی - دیپلمات بازنشسته



سال ۱۳۹۹ با تمام فرازوفرودهایش آخرین نفس‌های خود را می‌کشد و روزهای پایانی زندگی در سال تحریم، فشارهای حداکثری، کرونا و سختی معیشت را پشت سر می‌گذاریم. چند روز دیگر وقتی خورشید به میانه آسمان می‌رسد، قرنی به پایان خواهد رسید که ایران در کسوت و قامت «جمهوری اسلامی» نزدیک به نیمی از عمر خود را در آن زیسته، با جهان سخن گفته، پیروزی‌هایی را به خود دیده و شکست‌هایی را تجربه کرده است. بسیاری از کسانی که در آفرینش این نظام سیاسی «بدیع» و غرس این نهال «غریب» نقش آفرینی کردند، امروز در بین ما نیستند. آثانی که هنوز در قید حیات هستند، تصاویری گوناگون در مقابل دیدگان خود دارند. برخی بر آنچه داریم و دارند می‌بالند و به خود افتخار می‌کنند. برخی دیگر تصویری پرابهام و مشحون از تضادهای فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و بحران‌های آب، محیط زیست، بی‌کاری، آینده‌سازی و آموزش را می‌بینند. در حسرت اشتباهاتی هستند که اگر نمی‌شد، امروز شاید کشور لباسی زیباتر، با جلوه‌ای زبینه‌تر بر تن داشت. به جمهوری اسلامی ایران از دو منظر می‌توان نگریست. تصویری از درون که «ما» از آن داریم و انگاره‌ای در برون در اذهان «دیگران» نقش بسته است. هرچند هم این «ما» را باید تعریف کرد و هم آن «دیگران» را. از «ما» درون کشور می‌گذرم که بحثی طولانی و شرایط کنونی نیز در شناختن همین «ما» است؛ اما نمی‌توان از «دیگران» و آنچه درباره ایران در ذهن دارند، گذر کرد و به آن بی‌توجه ماند. ضروری است تصویر واقعی خود را در آینه دیگران ببینیم و صادقانه و جسورانه بگویم؛ جایگاه ما در جهان کجاست. از کشوری با فرهنگ و تمدن سه یا پنج‌هزارساله چه تصویری در اذهان جهانیان وجود دارد. مسلمانان دیگر کشورها درباره ما چه می‌گویند و چگونه قضاوت می‌کنند. پس از یافتن پاسخی منصفانه اگر لازم شد طرحی نو دراندازیم. اصطلاح دهکده جهانی (Global Village) که مارشال مک‌لوهان در توصیف آینده جهان به کار برد، امروز تحقق یافته است. هفت دهه قبل مک‌لوهان توضیح داد که جهان چگونه در برتو فناوری الکتتریکی به‌صورت یک دهکده فشرده تغییر می‌کند. اطلاعات در هر نقطه از جهان در کسری از ثانیه به نقطه‌ای دیگر منتقل می‌شود. امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین اتفاق در روستایی دورافتاده می‌تواند به بسی خبری تبدیل شود. قرفی نمی‌کند توطئه‌ای از سوی «استخبار جهانی» باشد یا حادثه‌ای خبر در جهانی که ۵۰ سال قبل کاملاً متفاوت است.

اگر این گزاره که مدعی است «تصویری که از خود ساخته‌ایم، تناسبی با تاریخ و تمدن ایران ندارد»، حتی کمی تا قسمتی! مقرون به صحت باشد، ضروری است در اصلاح آن اندیشه کنیم. گفتم این بحث در بین «ما» اختلافی است و عده‌ای آن را بر نمی‌تابند. اشکالی هم بر آن وارد نیست؛ زیرا همین امر مقدمه کنش، بحث و مجادله (البته از نوع احسن، دست‌یابی به حقیقت و اصلاح است؛ بنابراین با فرض متناسب‌نبودن انکاره ایران در اذهان و افکار جهان، ضروری است اصلاح این تصویر را در اولویت قرار دهیم. لازم‌ت تحقیق این مهم و ارائه تصویری واقعی از کشور در جهان در وهله اول پایان‌دادن به دوگانه «ایرانیت و اسلامیت» است، تخریب عامدانه تمدن و فرهنگی چند هزارساله، اقدامی از سر بی‌تدبیری و نفی سرمایه تأثیرگذار فرهنگ و ادبی است که تمدنی بزرگ بر آن بنا شده است. امام را احل آثار شهید مطهری را «بدون استئنا خوب و انسان‌ساز» توصیف کرده‌اند. یکی از این آثار «خدمات متقابل ایران و اسلام» است. هم نگرش شوونیستی بر داشته‌های ایرانی ناصحیح و گمراه‌کننده است و هم تصویر «این منم طاووس علین شده» از وجه دیگر. بپذیریم که ما هم جزئی از اقیانوس است و ام اسلامی هستیم و نه همه آن. در انگاره‌سازی جدید نه گذشته بزرگ‌نمایی می‌شود و نه حال تقلیل می‌یابد. نگاهی واقع‌گرایانه و استفاده از منابع غنی ایرانیت و اسلامیت برای تعامل با جهان، هدف در این مسیر توسعه همه‌جانبه و پایدار کشور و ارائه الگویی واقعی و برارنده از جمهوری اسلامی است. در آغازین روزهای سال و قرن جدید نیازمند فائق‌آمدن بر اختلافات فکری هستیم. سلاقی را نمی‌توان یکسان کرد و نباید در پی آن بود. برای همراه‌کردن مردم با حاکمیت غنی‌ترین سرمایه بازگشت به فرهنگ مدارا، مروت، گذشت و جوانمردی است. این هم آموزه فرهنگ ایرانی است و هم شایبیت شریعت.

به وحدت بخشی نوروز تکیه کنیم

هفت‌سین در زندان

یادداشت

اقتصاد توجه



حسین اسماعیلی
کارشناس اقتصادی

در جهان منابعی وجود دارند که در اقتصاد به آنها کالای آزاد گفته می‌شود. کالاهای آزاد به قلمرو تحلیل اقتصاد تعلق ندارند؛ زیرا به‌قدری فراوان هستند که برای استفاده از آنها هیچ‌گونه کوششی لازم نیست مانند هوا. حال این پرسش مهم مطرح می‌شود که آیا «توجه» کالایی آزاد است یا کمیاب؟ براساس ادبیات مربوط به «اقتصاد توجه»، این شاخه از علم اقتصاد در اصل رویکردی متفاوت به تبلیغات و بازاریابی است که براساس آن توجه افراد به‌عنوان کالایی کمیاب در نظر گرفته می‌شود که باید جلب شود تا اشخاص به خرید کالایی با به عمل خاصی اقدام کنند. به‌طورکلی اقتصاد توجه برای حل مسائل مرتبط با مدیریت اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین اقتصاد توجه یکد یک کالا بااهمیتی در حوزه تبلیغات به شمار می‌آید. در اقتصاد آنچه تعیین‌کننده ارزش هر کالایی است، میزان کمیابی آن کلاست. فرض کنید یک کارخانه اقدام کرده است که با استفاده از تصوراتش آن موقع چه اتفاقی خواهد افتاد؟ طبیعی است که آن کالا با افزایش تقاضا کمیاب خواهد شد و در اینجااست که باید قیمت بالا برود و در پی آن تقاضا کاهش یابد. این افزایش قیمت باید تا جایی باشد که بیس عرضه کالا و تقاضای آن تعادل به وجود بیاید. امروزه بشر با یک محدودیت جدید مواجه شده است به نام کمیابی توجه یا scarcity of Attention که همین موضوع سبب پدیدآمدن نظریه جدیدی درباره ماهیت اقتصاد به نام اقتصاد توجه شده است. ریشه این بحث به این گفته «هربرت سایمون»، اقتصادان برجسته نوبل اقتصاد بازمی‌گردد که در سال ۱۹۷۱ نخستین‌بار موضوع اقتصاد توجه را مطرح کرد؛ درست زمانی که سیستم‌های اطلاعاتی و رسانه‌های اجتماعی قوی هنوز به وجود نیامده بودند. او این موضوع را مطرح می‌کند که در دنیایی که اطلاعات به‌وفور یافت می‌شود، قطعا در زمینه دیگری کمبود وجود دارد. به گفته او «نروت اطلاعات، فقر توجه را ایجاد می‌کند». به بیان دیگر دنیایی که از نظر اطلاعات غنی شود، به فقر توجه دچار خواهد شد. علت این پدیده این است که محدودیتی برای تولید اطلاعات وجود ندارد، اما ازآنجاکه اطلاعات توجه انسان را مصرف می‌کند و میزان توجه انسان هم محدود است، افزونی اطلاعات موجب می‌شود...

یادداشت

آخرین نانگو؟

سامان صف‌زایی

اگر دستگاهی وجود داشت که میزان بحران سیاسی و تشنج در حاکمیت اسرائیل را از سال ۱۹۴۹ به این‌سو نشان می‌داد، عقربه آن اکنون در بالاترین درجه قرار داشت. انتخابات بی‌پایان و فلج سیاسی در اسرائیل وهم‌انگیز است و این وهم، کم‌وبیش دارد به یک رویه بدل می‌شود. بگذارید به آمار نگاهی بیندازیم. اسرائیل از زمان تأسیس (۱۹۴۹) تا سال ۲۰۱۵، بیست انتخابات پارلمانی برگزار کرده است، به‌طور میانگین هر ۴۰ ماه یک انتخابات برگزار شده است. کابوس از نهم آوریل ۲۰۱۹ شروع شد؛ زمانی که اتحاد آبی و سفید به رهبری بنی گانتز (زئرال سابق) با قدرت در برابر «لیکود»، به رهبری بنیامین نتانیاو به پا خاست و برای دو انتخابات متوالی (آوریل ۲۰۱۹ و سپتامبر ۲۰۱۹) امکان تشکیل دولت ائتلافی را از بین برد. اسرائیل کل سال شمسی ۱۳۹۸ بدون نخست‌وزیر برگزیده (و یا سرپرست) اداره شد. انتخابات سوم، مارس ۲۰۲۰ برگزار شد، بازهم آبی و سفید فلج سیاسی را رقم زد، در هفته‌های اول بنی گانتز باز هم از تشکیل کابینه مشترک با نتانیاو سر باز زد؛ اما نهایتاً با این استدلال که توافق کرونا در حال نوردیدن اسرائیل است با خیاتی تلخ به اعضای حزب ائتلافی خود کابینه ائتلافی با نتانیاو تشکیل داد؛ کابینه‌ای که اواسط بهار امسال تشکیل شد اما آذرماه پس از اختلاف بنی گانتز و نتانیاو (رهبر حزب لیکود) بر سر مفاد بودجه فروپاشی شد. تا مقدمات برای انتخابات چهارم در ۲۳ مارس (سوم فروردین ۱۴۰۰) فراهم شود. به بیان دیگر، از سال ۲۰۱۵ به این‌سو به‌طورمیانگین هر ۱۳ ماه، یک انتخابات برگزار شده است. از سال ۲۰۱۹ به این‌سو نیز هر شش ماه یک انتخابات برگزار شده است. براساس نظرسنجی‌های اسرائیل که اغلب با دقت زیادی نتایج را پیش‌بینی می‌کنند، انتخابات پیش‌رو نیز به‌اندازه سه انتخابات قبلی قابلیت ایجاد بن‌بست دارد. برای فهم پیچیدگی سرسام‌آور انتخابات سوم فروردین، باید نگاهی به وضعیت کرسی‌ها و ائتلاف‌های احتمالی داشته باشیم. بلوک نتانیاو: لیکود (۲۸ کرسی)، شاس (۶)، حزب مذهبی صهیونیست (۶) و واقعیت این است که یهودیت توراتی (۷)؛ مجموعاً ۴۷ کرسی. بلوک آنتی نتانیاو: آینده‌ای هست (۲۰)، آبی و سفید (۴)، لیست مشترک اعراب (۸)، اسرائیل خانه ما (۷)، امید نو (۹)، کارگر (۶)، مرتضی (۲)؛ مجموعاً ۵۸ کرسی. در رابطه با بلوک آنتی نتانیاو باید متذکر شد

یادداشت

نفت و مدیران نفتی در ۱۴۰۰



علیرضا سلطانی
استاد دانشگاه

شواهد و قرائن نشان می‌دهد انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، با شرایط و متغیرهای متفاوتی نسبت به انتخابات گذشته برگزار می‌شود. فارغ از فضای کنونی حاکم بر انتخابات، به نظر می‌رسد نقش برخی متغیرها نسبت به گذشته فعال‌تر باشد که در این میان، متغیر نفت بیش از همه به چشم می‌آید؛ متغیری که در دو قالب مدیران نفتی و موضوعاتی نفتی خودنمایی می‌کند. نفت عنصری ثابت و تعیین‌کننده در فضای سیاسی و اقتصادی ایران در صد سال گذشته بوده که در برخی مقاطع سیاسی، نقشی عیان و آشکار در چالش‌ها داشته است. با وجود این، نفت هیچ‌گاه نتوانسته از پستوی سیاسی خارج شده و به عنصر مؤثری در رقابت‌های سیاسی تبدیل نشود؛ به این معنا که جریان‌ها و فعالان سیاسی برای نفت و چگونگی اداره و هزینه‌کرد منابع درآمدی آن، برنامه داده و برنامه‌های خود را در برابر انتخاب مردم قرار دهند. این مسئله یکی از آفت‌های بزرگ اقتصاد نفتی در ایران است که از ماهیت اقتصاد دولتی و دولت نفتی برمی‌خیزد. در هفته‌های اخیر، به نسبت، مسائل و موضوعات نفتی در فضای سیاسی و رسانه‌ای بیشتر خودنمایی می‌کند و این بیشتر از حضور برخی چهره‌ها و مدیران نفتی در فضای انتخاباتی که در زمان کنونی، با توجه به مشکلات و مصائبی که مردم به لحاظ اقتصادی تحمل می‌کنند، طرح ناگفته‌های نفتی چندان در اولویت نیست و آنچه اولویت دارد، برنامه و اقدام برای برون‌رفت از مسائل و چالش‌هایی است که نفت و صنعت نفت ایران به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی کشور به آن دچار است. از سویی خاطره‌گویی و نیش قبر مسائلی که در سال‌های اخیر جز ناکامی و درد برای صنعت نفت به‌طور خاص و اقتصاد ایران به‌طور عام چیزی دربر نداشته و بیش از گذشته بر اعتماد عمومی مردم صدمه وارد می‌کند، اهمیت و ارزشی ندارد.

حرف اول

نوروز اسلامی جعفری

زنده‌یاد سیدمحمد محیط طباطبایی



نوروز کلمه فارسی دری است، به معنی روز نو از سال تازه و نو که صورت پهلوی آن به شکل نیروز وارد زبان عربی هم شده و علاوه بر نوروز ایرانی، شامل نظایر دیگر آن هم شده است که در گاه‌شماری‌های ملت‌های دیگر وجود دارد، مانند نیروز قبطی که هنوز در مصر معمول است چنان‌که می‌دانیم غالب ملت‌های روی زمین دستگاه گاه‌شماری مخصوص به خود داشته‌اند که تغییرات صورت قرض ماه را در ۱۲ ماه تقریباً ۳۰ روزه را با تحولات وضع تابش خورشید در ۳۶۵ روز و کسری را جمعا به نام سال موسوم و محسوب می‌دارند. آری، هریک از این دستگاه‌های زمان‌شناسی که در پنج قاره متداول بوده، آغازی داشته است که با تغییر چهار فصل سال پیوستگی دارد و این آغاز همان است که نوروز خوانده می‌شود. ایرانیان قدیم از اول تابستان و کلدانیان از اول پاییز و رومیان از اول زمستان و هندیان از اول بهار سال خود را تقریباً آغاز می‌کردند که به این اعتبار موقع نوروز با سر سال ایشان تفاوت پیدا می‌کرد، پس نوروز روز اول از ماه اول هر دستگاه گاه‌شماری است. سال باستانی که پیش از انتشار اسلام در ایران متداول بود، از آغاز تابستان به طور مسلم شروع می‌شد و این تغییری که در مبدأ سال از نقطه انقلاب صیبی به نقطه اعتدال ربیعی صورت گرفت و تفاوتی که در طول مدت ماه‌ها از ۳۱ روز تا ۲۹ روز پیدا شده و تغییر موقع شروع سال که در طول روز سیدوششمت‌وششم از سال پیش به وجود آمده، همه در دوره اسلام و بر حسب اشاره بزرگان این کشور مسلمان و عمل علمی منجمان بزرگ عالم اسلام در ایران بعد از اسلام پدید آمده است؛ بنابراین سال شمسی جدید، سال اسلامی و نوروز متداول امروز نوروز مسلمانی محسوب می‌شود و ارتباط آن با قدیم تنها در صورت ظاهری اسامی است که قضا را آن هم در لهجه فارسی دری مستحیل شده که زبان متداول ایران دوره اسلامی شناخته شده است و از دوره پیش از اسلام آن در صورت خطی آرامی پهلوی یا غیر پهلوی مدرکی معتبر در دست نداریم. سال ایرانی باستانی که از آغاز تابستان شروع می‌شد، شمسی حقیقی نبود؛ بلکه سال شمسی اصطلاحی ناقص بود که تفاوت میان آنها چنین است: سال شمسی حقیقی مشتمل بر ۳۶۵ روز و پنج ساعت و ۴۸ دقیقه یا باستانی که کم و بیش است، درصورتی‌که سال ایرانی قدیم ۳۶۵ روز کامل به حساب می‌آمد و آن کسر زمانی را که ۱۱ دقیقه از ربع روز کمتر بود...